

بسم الله الرحمن الرحيم

### مطلب چهارم: دلالت یا عدم دلالت جملات خبریه بر طلب

از جمله مطالبی که در ادامه مبحث اوامر نیاز به بررسی دارد، بحث از مدلول جملات خبریه ای است که در مقام انشاء طلب به کار گرفته می شوند. این بحث در چند جهت پی گیری می شود:

#### جهت اول: عنوان صحیح بحث

با مراجعه به کتب اصولی<sup>۱</sup> روشن می گردد، همه آنها، بحث در ما نحن فيه را تحت عنوان «الجملة الخبرية التي تستعمل في مقام الطلب یا في مقام انشاء الطلب» مطرح کرده اند و لکن به نظر می رسد این عنوان ناقص و بلکه نادرست است. چون در ما نحن فيه، بحث از بررسی مدلول هیئت جمله خبریه نیست، بلکه بحث از مدلول فعل ماضی و یا فعل مضارع است که در مقام افاده انشاء و طلب به کار گرفته می شود، لذا صحیح آن است که در عنوان بحث گفته شود: «فعل الماضي<sup>۲</sup> او المضارع<sup>۳</sup> الذي يستعمل في مقام الطلب». برای توضیح این مطلب باید چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

**نکته اول:** شکی نیست که هیئت فعل ماضی وضع شده است برای خبر و حکایت از آنچه که در گذشته واقع شده، کما اینکه هیئت فعل مضارع وضع شده است برای حکایت و خبر از آنچه که در حال وقوع است و یا در آینده واقع خواهد شد.

**نکته دوم:** الفاظی که در مقام افاده معانی و مقاصد استعمال می شوند یا به صورت تک کلمه ای به کار گرفته می شوند و یا به صورت مجموعه ای از دو یا چند کلمه مرتبط به همدیگر. در صورت اول به لفظ مفید، لفظ مفرد و در صورت دوم به آن جمله می گویند. جمله هم یا ناقصه و ما لا یصحّ السکوت علیها است مثل جمله مضاف و مضاف الیه، و یا جمله تامه و یصحّ السکوت علیها می باشد.

<sup>۱</sup> - مطلب سوّم یعنی هیئت امر، از جلسه نوزدهم (شنبه، ۹۱/۹/۱۱) تا جلسه سی و هشتم (دو شنبه، ۹۱/۱۰/۱۱) بیان شد.

<sup>۲</sup> - مثلاً محقق خراسانی در کفایة الاصول، صفحه ۱۸۴ می فرماید: «هل الجملة الخبرية التي تستعمل في مقام الطلب و البعث مثل یغتسل و یتوضأ و یعید ظاهرة في الوجوب أو لا؟»، محقق عراقی در نهاية الافکار، جلد ۱، صفحه ۱۸۰ می فرماید: «إذا وردت جملة خبرية في مقام بیان الحكم الشرعي من نحو قوله: تغتسل، و تعید الصلاة، و یتوضأ...»، شهید صدر در بحوث فی علم الاصول، جلد ۲، صفحه ۵۵ می فرماید: «الجهة الثالثة في الجملة الخبرية المستعملة في الطلب»، مرحوم امام خمینی قدس سزه در مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد ۱، صفحه ۲۵۷ می فرماید: «تتميم: في الجملة الخبرية المستعملة في مقام الإنشاء» و همچنین محقق خویی در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۱۳۲ می فرماید: «الجهة الثالثة و هي الجملة الفعلية التي استعملت في مقام الإنشاء دون الاخبار».

<sup>۳</sup> - مانند بعت و قبلت که در صیغه بیع گفته می شود.

<sup>۴</sup> - مانند «یعیّد الصلاة» در این روایت: «سَأَلْتُ عَنْ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي صَلَاتِهِ فَيَغْلَمُ أَنَّ رِيحًا خَرَجَتْ مِنْهُ وَ لَا يَجِدُ رِيحًا وَ لَا يَسْمَعُ صَوْتًا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ وَ الْوُضُوءَ وَ لَا يَتَعَذُّ بِشَيْءٍ مِمَّا صَلَّى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ يَقِينًا». (مسائل علي بن جعفر و مستدرکاتها، صفحه ۱۸۵)

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

جمله تاقه نیز یا خبریه است و یا انشائیّه، جمله خبریه هم یا اسمیه است و یا فعلیه و در جمله خبریه فعلیه نیز یا از فعل ماضی استفاده شده و یا از فعل مضارع.

**نکته سوم:** الفاظی که در لسان شارع برای افاده معانی و مقاصد استعمال می شوند، یا الفاظ مفردة هستند و یا جملات و در علم اصول همانطوری که در گذشته بیان شد<sup>۵</sup>، مباحث مربوط به الفاظ، از چند حالت خارج نیست: یا از موضوع له و مستعمل فیه خصوص ماده الفاظ مفردة ای بحث می شود که در لسان شارع استعمال می شوند مثل بحث از ثبوت و عدم ثبوت حقیقت شرعیّه، یا از هیئت آن الفاظ مفردة بحث می شود مثل بحث از مشتقّ، یا هم از ماده و هم از هیئت آن ها بحث می شود مثل بحث از اوامر و یا از مدلول و موضوع له هیئت جمله ای از جملات بحث می شود مثل بحث از مفهوم در جملات شرطیه و یا جملات وصفیه.

**حال با توجه به این سه نکته عرض می کنیم:** در ما نحن فیه بحث از هیئت جمله خبریه تاقه فعلیه نیست. چون معلوم است که جمله خبریه چنانچه اسمیه باشد، مدلولش ربط میان موضوع و محمول و این همانی آن دو است و چنانچه جمله فعلیه باشد، در صورتی که فعل ماضی در آن به کار رود، مدلول هیئت آن ربط میان مفاهیم فعل، فاعل و مفعول در جهت حکایت از وقوع و صدور آن فعل از فاعل در گذشته است و در صورتی که فعل مضارع در آن به کار رود، مدلول هیئت آن، ربط مذکور در جهت حکایت از وقوع آن فعل در حال حاضر و یا آینده است. بنا بر این بحث در ما نحن فیه از مدلول جمله خبریه نیست و این امری معلوم بوده و جای بحث ندارد و یا اینجا محلّ بحث آن نمی باشد، انّما الکلام در باره جملات خبریه ای است که در مقام انشاء استفاده می شوند و اینکه بحث به چه وجهی باید تحریر شود؟

### وجه متصوره در تحریر بحث:

دو وجه در تحریر بحث قابل طرح می باشد:

**وجه اول اینکه بگوییم:** آیا جمله خبریه ای که در مقام افاده انشاء و طلب به کار گرفته شده، مفید انشاء و طلب هست یا خیر؟ طرح بحث به این صورت در فرضی صحیح است که مقصود از بحث در ما نحن فیه آن باشد که آیا هیئت جمله خبریه ای که بالوضع مفید حکایت و خبر بود، چنانچه در مقام طلب و انشاء استعمال شود، می تواند مفید طلب و انشاء باشد یا خیر؟

طرح بحث به این گونه اگر چه فی نفسه صحیح است و لکن قطعاً در ما نحن فیه مقصود نمی باشد. چون اگر این مقصود باشد، هر نتیجه ای که از آن گرفته شود، غرض از طرح این مبحث را حاصل نمی کند. چون غرض بررسی مدلول افعال ماضی و مضارع است که چه در جمله و چه به صورت مفرد، در مقام طلب به کار گرفته شوند، به خصوص اینکه از این افعال در مقام طلب و انشاء کمتر به صورت جمله استفاده می شود.

<sup>۵</sup> - در جلسه اول از مبحث اوامر (شنبه ۹۱/۶/۲۵) بیان شد که «این قواعد و اصول یا مربوط به موضوع له و مستعمل فیه این الفاظ و اعمال است و یا مربوط به ظهورات آنها و حجّیت آن ظهورات است و هر یک از این دو مبحث یا راجع به ماده کلمات و الفاظ است و یا مربوط به خصوص هیئت آنهاست و یا مربوط به ماده و هیئت آنهاست. بحث از هیئت هم یا راجع به هیئت یک کلمه و یک لفظ مفردی است که در لسان شارع استعمال شده و یا مربوط به وضع هیئت یک جمله و کلامی است که شارع مقدس آن را استعمال کرده است».

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

وجه دوم آن است که بگوییم: فعل ماضی و مضارع که هر کدام بالوضع برای حکایت از وقوع حدث وضع شده اند، چنانچه در مقام فعل امر و افاده طلب و انشاء استعمال شوند، آیا دلالت بر انشاء و طلبی که امر دلالت بر آن داشت، می کنند یا خیر؟ طرح بحث به این صورت به این باز می گردد که آیا مدلول هیئت فعل ماضی و مضارع، به حسب مقام کاربردی آنها متفاوت می شود تا در مقام اخبار دلالت بر خبر و در مقام انشاء دلالت بر طلب بکنند و یا متفاوت نمی شود و افاده انشاء و طلب نیاز به امری زائد دارد.

طرح بحث به این گونه صحیح بوده و غرض از طرح این مبحث را برآورده خواهد نمود. زیرا در این صورت، بحث از دلالت هر یک از فعل ماضی و مضارع بوده و هیچ ربطی به هیئت جمله خبریه ندارد تا اینکه شامل الفاظ مفردة آنها در مقام طلب نشود.

در نتیجه: عنوان صحیح برای این مبحث آن است که بگوییم «هل يدلّ فعل الماضی او المضارع، علی الطلب اذا استعملا فی مقام الطلب و الانشاء ام لا؟» و یا اینکه گفته شود «فعل الماضی او المضارع الذی يستعمل فی مقام فعل الامر، هل یفید معنی الامر ام لا؟».

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»